



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به مواد مخدر در بین جوانان شهر کابل

اکبر زارع شاه‌آبادی (دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه یزد، یزد، ایران)

a_zare@yazd.ac.ir

سید محمد فیروزی (دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه یزد و عضو هیئت‌علمی دانشگاه بغلان، افغانستان)

نویسندهٔ مسئول

sayedmohammadfirozi@yahoo.com

چکیده

گرایش به مواد مخدر در میان جوانان، یکی از آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی در کشورهای مختلف و از جمله در افغانستان شمرده می‌شود. با توجه به شرایط کلی جامعه افغانستان و به‌ویژه شرایط نامساعد اقتصادی، فرهنگی، تفریحی و... در شهر کابل، جوانان بیش از سایر گروه‌های سنی در معرض اعتیاد به مواد مخدر هستند. هدف این پژوهش، تعیین عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش جوانان شهر کابل به مواد مخدر بود. این پژوهش از نوع تبیینی، توصیفی-تحلیلی و با روش پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش، جوانان بین سنین ۱۸ تا ۳۵ ساله شهر کابل بودند که کاربران شبکه‌های مجازی و اینترنت بودند. تعداد ۲۵۱ پرسشنامهٔ محقق‌ساخته از میان جامعه آماری تکمیل شد. یافته‌های این پژوهش نشان داد، بین نداشتن امکانات اوقات فراغت، احساس ناامنی، داشتن دوستان ناباب، بی‌هنجاری و عادی شدن مصرف مواد در شهر کابل و تنش‌های خانگی و گرایش جوانان شهر کابل به مواد مخدر، رابطه معنادار و مثبت وجود دارد. درآمد، اشتغال و سواد نیز بر گرایش جوانان به مواد مخدر تأثیرگذار است. اما، سن، وضعیت تأهل، حجم خانوار، وضعیت مسکونی، اعتیاد یکی از اعضای خانواده با گرایش به مواد مخدر رابطه

معناداری نداشت؛ بنابراین نتیجه گرفته می‌شود که گرایش به مواد مخدر تحت تأثیر عوامل مختلف اجتماعی است. مؤسسات و نهادهای دولتی و خصوصی می‌توانند با تسهیل و ارائه خدمات آموزشی، آگاهی‌دهی، تفریحی-سرگرمی، ایجاد اشتغال و کاهش فضایی ناامنی، از گرایش به مواد مخدر در بین جوانان بکاهند.

کلیدواژه‌ها: عوامل اجتماعی، گرایش، مواد مخدر، جوانان، شهر کابل.

۱. مقدمه

سوء مصرف مواد مخدر، همواره مشکلات متعددی همچون افت سلامت عمومی، افزایش مرگ‌ومیر، آسیب‌های خانوادگی و اجتماعی، از دست رفتن فرصت‌های آموزشی و شغلی و افزایش نرخ درگیری با سیستم قضایی، ایجاد چرخه مصرف مواد، تداوم آسیب و بازپیدایی آن‌ها در نسل‌های بعدی را به همراه داشته است (آدرم و نیک‌منش، ۱۳۹۰، ص. ۱۰۱). به علاوه اینکه هزینه‌های مالی گزافی، صرف مبارزه با اعتیاد می‌شود. در این خصوص طبق اعلام سازمان ملل متحد ۶۶۰ میلیارد دلار هزینه‌های جرایم ناشی از جرایم سازمان یافته است که حدود نیمی از آن مرتبط با مواد مخدر است (رحمانی فضلی، ۱۳۹۳، ص. ۴۴). براساس آمارها، ۳،۵ درصد کل جمعیت و ۵،۲ درصد جمعیت بین ۱۵ تا ۶۴ ساله جهان، سابقه یک‌بار مصرف مواد مخدر را دارند؛ یعنی حدود ۲۴۰ میلیون نفر یک‌بار تجربه مصرف مواد مخدر را داشته‌اند (رحمانی فضلی، ۱۳۹۳، ص. ۴۵).

کشور افغانستان براساس آمارهای جهانی، بزرگ‌ترین تولیدکننده مواد مخدر (تریاک) جهان است. این برآوردها تاحدی تکان‌دهنده است که گویا ۹۰ تا ۹۶ درصد تریاک مورد استفاده جهانی در افغانستان کاشت و تولید می‌شود. اداره مبارزه با مواد مخدر و جرایم سازمان ملل متحد^۱ در ماه نوامبر سال ۲۰۱۸ با نشر گزارشی مدعی شده است که افزایش چشمگیر کشت خشخاش و بهبود تدریجی محصول‌دهی در افغانستان موجب شده است تا تولید تریاک به ۹۰۰۰ تن برسد. وزارت مبارزه علیه مواد مخدر (در حال حاضر، ادغام‌شده

در وزارت «داخله» در هماهنگی و همکاری نزدیک با دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرایم سازمان ملل متحد، یک پیمایش را درخصوص دریافت آمار واقعی و ارقام تازه از کشت و تولید مواد مخدر در سال ۲۰۱۷ میلادی راه‌اندازی کرد. براساس این بررسی، مجموع ساحات زیر کشت مواد مخدر در افغانستان ۳۲۸ هزار هکتار زمین را در بر گرفته است که ۶۳ درصد افزایش در مقایسه با سال ۲۰۱۶ نشان می‌دهد. در سال ۲۰۱۸ زمین زیر کاشت مواد مخدر مطابق با گزارش‌های دولت افغانستان، اداره مبارزه با مواد مخدر و جرایم سازمان ملل از ۳۲۸ هزار هکتار به ۲۶۳ هزار هکتار کاهش یافته است، ولی تولید و قاچاق آن همچنان نام افغانستان را به‌عنوان بی‌رقیب‌ترین کشور جهان یدک می‌کشد. در سال ۲۰۱۶ وزارت مبارزه علیه مواد مخدر، سروی را به همکاری با اداره مبارزه با جرایم و تطبیق قانون آمریکا^۱ در سراسر افغانستان انجام داد که این سروی شامل سه نوع تست شامل تست مو، لعاب دهان و ادرار بوده است. این سروی نشان داد که در سراسر افغانستان در حدود ۲,۹ تا ۳,۶ میلیون افراد متأثر از استفاده مواد مخدر هستند. درحالی‌که زرع، تورید، تولید و قاچاق مواد مخدر در قوانین جزایی افغانستان جرم شمرده شده است، حتی کسانی که معتاد به مواد مخدر هستند نیز حالتشان وضعیت مجرمانه قلمداد شده است؛ زیرا مواد مخدر و اعتیاد به آن ارتباط معناداری با سایر انحرافات و جرایمی مانند سرقت، چپاول، قتل، تکدی‌گری، جعل، جرایم اخلاقی و... دارد. گزارش بی‌بی‌سی از قبول مقام‌های دولت افغانستان و همکاران بین‌المللی شان نشان می‌دهد، در سال ۲۰۱۲ میلادی، معتادان در افغانستان به ارزش بیش از ۳۰۰ میلیون دلار آمریکایی مواد خریداری و مصرف کردند.

در ساحات ناامن و زیر زرع و کاشت مواد مخدر، دسترسی به مواد مخدر بسیار آسان است و احتمالاً برای دارندگان آن مناطق و دهقانان مصرف‌کننده، مصرف مواد مخدر هزینه‌ای نیز نداشته باشد. معتادان معمولاً کسانی هستند که اشتغال و درآمدی ثابت یا کفایت‌کننده مصرف مواد را ندارند؛ بنابراین خرید مواد مخدر به ارزش بیش از ۳۰۰ میلیون

دلار، نشانگر ارتباط معنادار آن با سایر جرایم است. آمارهای جهانی نشان می‌دهد، جوانان بیش از سایر اقشار و گروه‌های اجتماعی مستعد ابتلا به مواد مخدر بوده و دارای گرایش‌های بیشتر به این پدیده هستند (مزیدی، ۱۳۹۳، ص. ۴۰). در افغانستان نیز شواهد و دیدگاه‌ها نشان می‌دهد، جوانان بیش از سایر گروه‌ها در میان معتادان دیده می‌شوند. از سوی دیگر، شرایط نابهنجار و خشونت‌های بیش از چهل دهه بر زندگی این قشر تأثیرات منفی عمیقی گذاشته است و این ناملايمات زندگی بر گرایش‌های این قشر به مواد مخدر افزوده است؛ بنابراین در این تحقیق تلاش شده است تا به جنبه‌ها و عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش جوانان به مواد مخدر پرداخته شود. شهر کابل با جمعیت شش میلیونی، بیشترین معتادان به مواد مخدر را در خود جا داده است. هزاران نفر معتاد که عمدتاً از قشر جوانان هستند، از خانواده و جامعه طرد و رانده شده‌اند و در جاده‌ها، پارک‌ها، مخروبه‌ها و زیر پل‌ها جا خوش کرده‌اند و آزادانه و در حضور عابران، پلیس و مقامات دولتی مواد مخدر مصرف می‌کنند. تماشای گروه‌های وسیعی از معتادان بی‌پناه که در وضعیت رقت‌بار و با لباس‌های کثیف و ژولیده در سرک‌ها و خیابان‌ها شب و روز افتاده‌اند، قلب هر بیننده‌ای را ناراحت می‌کند.

مواد مخدر شامل ترکیباتی است که موجب تغییر در کارکرد مغز به صورت ایجاد حالات هیجانی، رفتارهای نابهنجار، عصبانیت یا اختلال در قضاوت و شعور فرد می‌شود (محبوبی‌منش، ۱۳۸۲، ص. ۷۰). مواد مخدر را براساس تأثیری که بر سیستم عصب و مغز می‌گذارد، به سه دسته تقسیم کرده‌اند: الف) محرک‌ها: این گونه مواد که شامل کوکائین، کراک، کافئین، نیکوتین و آمفتامین‌ها می‌شود، سیستم عصب و مغز مصرف‌کننده را تحریک می‌کند. مصرف‌کننده این گونه مواد در کوتاه‌مدت احساس هوشیاری، هیجان و فرونشستن خستگی می‌کند؛ ب) گندکننده‌ها: این گونه مواد که شامل الکل و مواد افیونی مانند تریاک، هروئین، مرفین و آسپرین است، سبب کاهش فعالیت سیستم‌های عصبی و مغزی مصرف‌کننده می‌شود و طبعاً تأثیراتی شل‌کننده بر عضلات می‌گذارد. با مصرف این گونه مواد

مصرف کننده حالت فراموشی از ترس، اضطراب و استرس پیدا می کند؛ ج) مواد توهم زا: این گونه مواد شامل (LSD) و اکستازی است که فعالیت عصبی را مختل کرده و درک مصرف کننده را از شرایط و حالات موجود منحرف می کند و سبب اختلال فکری مصرف کننده می شود (سروستانی، ۱۳۸۹، ص. ۱۸۰). اعتیاد به مواد مخدر از منظر رشته های مختلف تعریف شدنی است/ برخی ها اعتیاد را خو گرفتن و عادت کردن به هر چیزی تعریف کرده اند که سبب تمایل و دلبستگی به آن می شود. در لغت نامه دهخدا، اعتیاد به معنی عادت کردن یا خو گرفتن به هر چیزی معنی شده است (دهخدا، ۱۳۳۸، ص. ۲۹۴۹). اعتیاد به مواد مخدر به معنی خو گرفتن و عادت کردن به مواد است؛ به طوری که، نبود دسترسی به آن مواد موجب بروز علائم محرومیت می شود (صدیق سروستانی، ۱۳۷۷، صص. ۲۲۶-۲۲۷). گرایش را نیز مرکب از سه عنصر شناختی، عاطفی و رفتاری می دانند؛ یعنی شناخت های فرد درباره چیزی از احساسات و عواطف او درباره آن چیز و از تمایلات او برای عمل به آن چیز تأثیر می پذیرد (یوسفی لویه، ۱۳۸۸).

بدون شک، نابودی منابع تولیدی مواد مخدر امری تصور نشدنی به نظر می رسد، اما در حوزه توزیع و تقاضا این امکان وجود دارد که با کاهش گرایش و دسترسی به مواد مخدر و روان گردان ها، با گسترش و عرضه سرسام آور آن مقابله شود. مسلم است که اگر تقاضا و گرایش برای دریافت کالاهای مصرفی وجود نداشته باشد، عرضه و توزیع آن نیز سیر نزولی خواهد گرفت، اما این قاعده عرضه و تقاضا روی دیگر نیز دارد و آن اینکه با عرضه و توزیع فراوان مواد و دسترسی آسان به آن، تقاضا و گرایش به مواد نیز افزایش می یابد. در افغانستان به طور عام و در شهر کابل به طور خاص، عرضه و توزیع انواع مواد به راحتی صورت می گیرد و این امر نامیمون سبب گسترش تقاضا و مبتلا شدن بیشتر افراد از جمله جوانان می شود. تحقیقات نیز نشان می دهد که در عصر حاضر، یکی از علل افزایش مصرف مواد مخدر دسترسی آسان و نسبتاً رایگان به آنهاست (هادلند، مارشال، مونتانر و وود^۱، ۲۰۱۲، ص.

1. Hadland, Marshall, Montaner & Wood

(۴۹۰). به طور منطقی زمانی که دسترسی به مواد مخدر آسان باشد، مردم فرصت بیشتری برای دسترسی و گرایش به مواد مخدر دارند؛ در نتیجه مصرف مواد مخدر در بین آنها افزایش می‌یابد (تام و فو، ۲۰۱۲، ص. ۱۶۲۲).

بیش از چهار دهه جنگ‌های خانمان‌سوز و ویرانگر در افغانستان، وضعیت و شرایط مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در نابسامانی‌ها و نابهنجاری‌های زیادی قرار داده است. بیکاری، بی‌سوادی، مهاجرت‌ها، ناامنی‌های روانی و بی‌اعتمادی، فقر، خشونت‌های خانگی، بی‌سرپرستی، بدسرپرستی، انحرافات و اعتیاد به مواد مخدر از جمله نتایج ملموس و عینی جنگ و خشونت‌های دوام‌دار تلقی می‌شود. آنچه قابل ملاحظه است، رابطه اعتیاد با سایر جرایم و انحرافات است. در کشورهای مختلف جهان پژوهش‌ها نشان می‌دهد که اعتیاد به مواد مخدر با سایر جرایم و انحرافات اجتماعی رابطه مستقیم و معناداری دارد (فرخ‌پور، ۱۳۸۲، ص. ۸۹). فرد معتاد به مواد مخدر برای دسترسی به مواد حاضر به انجام هر نوع عمل دیگر است. رابطه اعتیاد با جرایمی چون سرقت، قتل، جعل، فریب‌کاری، جرایم اخلاقی، تکدی‌گری، چپاول، رهنی و امثال آن، در کشورهای مختلف از جمله در افغانستان مشاهده و بررسی شده است. جوانان به‌عنوان نیروی فعال و با انرژی جامعه که در دوره جنون، هیجان‌ها و احساسات قرار دارند، بیش از سایر اقشار در معرض ابتلا و گرایش به مواد مخدر هستند (صادقی، ۱۳۸۷، صص. ۴۵-۴۶).

در افغانستان به دلایلی که پیش‌تر ذکر شد، نرخ بیکاری، فقر، تورم، ناامنی و بی‌اعتمادی افزایش یافته است. از سوی دیگر، خشونت‌های اجتماعی و خانوادگی، دسترسی آسان به مواد مخدر، نبود فضاهای سبز و اماکن تفریحی، افزایش سن ازدواج و کاهش نظارت خانوادگی و موارد از این دست، جوانان را بیش از سایر گروه‌های سنی به استفاده از موادهای روان‌گردان سوق می‌دهد. یکی دیگر از مشکلات موجود فراروی مکانیسم‌های مبارزاتی با این پدیده شوم و آسیب‌زا، فقدان رویکردهای اجتماعی و جامعه‌شناختی به این

مسئله است. شکی نیست که میلیاردها دلار آمریکایی مصرف مبارزه با کشت، قاچاق، توزیع و مصرف این مواد شده است و شاید صدها سمینار و کارگاه‌های آموزشی برای آگاهی‌دهی از ضرر آن برگزار شده باشد، اما در کنار همه کاره نیاز جدی وجود دارد که نگاهی جامعه‌شناختی نیز به این مسئله مهم داشته باشیم و به این موضوع تمرکز کنیم که چه عوامل اجتماعی بر گرایش افراد و به‌ویژه جوانان به مواد مخدر تأثیرگذار است؛ زیرا تنها با رویکرد سیاسی، حقوقی و تنبیهی به نتیجه مطلوب نمی‌رسیم. مسئولان و اداره‌های ذی‌ربط باید به ریشه‌ها و سرچشمه‌های گرایش به اعتیاد و مبتلا شدن افراد به مواد مخدر توجه‌کنند. با شناسایی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش و ابتلا به مواد مخدر، می‌توان به نتیجه مطلوب و اساسی دست یافت.

۲. مبانی نظری و تجربی تحقیق

براساس نظریه آنومی و گرایش به مواد مخدر مرتن^۱، انحراف زمانی پدیدار می‌شود که میان اهداف و وسایل دستیابی به آن تضاد وجود داشته باشد. فرد از جامعه‌ای که در واقعیت آرمان‌های خود را نادیده می‌گیرد، بیگانه می‌شود. این فشار به‌ویژه در میان بخش‌های آسیب‌پذیر جمعیت گرایش به مواد مخدر را افزایش می‌دهد؛ افرادی که از هر فعالیتی برای دستیابی به اهداف اجتماعی دوری می‌کنند و طرفدار کج‌روی می‌شوند؛ بنابراین، پناه بردن به مصرف مواد مخدر به معتاد اجازه می‌دهد تا وقت و انرژی خود را برای دستیابی به اهداف قابل‌حصول صرف کند و مصرف مواد مخدر را بیشتر کند (آبادینسکی، ۱۳۸۲، ص. ۲۱).

براساس نظریه معاشرت افتراقی، همان‌طور که ادوین ساترلند^۲ (۱۹۷۳) می‌گوید، معاشرت افتراقی، چگونگی انتقال رفتار مجرمانه را تبیین می‌کند. معاشرت افتراقی جزو نظریه‌های یادگیری است که ب‌اساس آن، رفتار مجرمانه آموخته می‌شود و یادگیری اساسی در درون گروه‌های نخستین فرد رخ می‌دهد. یادگیری مؤثر به میزان، شدت، فراوانی و مداومت ارتباط

1. Merton

2. Edwin Sutherland

وابسته است. با توجه به مصرف مواد مخدر، معاشرت افتراقی می تواند به عنوان یک مقیاس در نظر گرفته شود. در یک طرف، مقیاس معاشرت های کج روانه و در طرف دیگر معاشرت های معمولی اجتماعی انباشته می شود. در برخی دیدگاه های نظری، مصرف مواد هنگامی شروع می شود که معاشرت های کج روانه (مصرف کنندگان مواد) بیشتر از معاشرت های معمولی اجتماعی آن ها باشد. در واقع به نظر می رسد شروع مصرف مواد مخدر به طور کامل وابسته به معاشرت با همسالان باشد. داستر^۱ (۱۹۷۰، ص. ۱۸۰) می نویسد: اولین منبع ارتباط با مواد مخدر (هرویین) معمولاً یک دوست است. مصرف کنندگان معمولی، اولین مزه تعارف مواد را از سوی معتادان تازه کار دریافت نمی کنند. غالباً در پی ملاقات دوستی که در این راه دستگیر شده و ب صورت مثال مصرف می کند، به سوی هرویین سوق داده می شوند. فرد به ندرت برای اولین بار خریدار مواد مخدر می شود؛ بنابراین شروع بیشتر به شرایط تصادفی بستگی دارد تا آرزوی چنین عملی توسط مصرف کننده تازه کار (هوگان^۲، ۱۹۹۴).

نقش بی سازمانی اجتماعی در گرایش به مواد مخدر: یک رهیافت ساختاری عملکردی درباره مسئله مواد مخدر معمولاً عامل فردی را رد می کند و به جای آن به ملاحظه کل ساختار اجتماعی روی می آورد و به این مشکل جنبه اخلاقی نمی دهد. رهیافت های ساختاری عملکردی، هیچ نهاد به خصوصی را جداگانه سرزنش یا انتقاد نمی کنند و استدلال می کنند که همه نهادها ضمن تأثیر متقابل بر یکدیگر، کل سیستم اجتماعی را حفظ می کنند. صنعتی شدن، شهرنشینی و سایر تغییرات اجتماعی در جامعه نوین، به واسطه تضعیف کنترل اجتماعی که پیش از این از طریق ارزش های اجتماعی سنتی اعمال می شد، از سوی جامعه شناسان شیکاگو، به عنوان علت بی سازمانی اجتماعی شناخته شده اند (اکرس و سیلرس^۳، ۲۰۰۴، ص. ۱۶۰).

-
1. Troy Duster
 2. Hagan
 3. Akers & Sellers

براساس بسیاری از مطالعات، عناصر مختلف بی‌سازمانی اجتماعی دارای روابط درونی هستند؛ زیرا آن‌ها بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. از سوی دیگر، همه عناصر بی‌سازمانی اجتماعی تأثیر یکسان بر جرم ندارند؛ به طوری که برخی از عناصر بی‌سازمانی اجتماعی به عنوان متغیر میانگیر (واسطه‌ای) عمل می‌کنند، ولی برخی دیگر به طور مستقیم بر جرم تأثیر می‌گذارند (تایلر^۱، ۲۰۰۱). عوامل بی‌سازمانی اجتماعی باعث می‌شوند که اعضای جامعه در تنظیم رفتارهای خود با مشکل مواجه شوند: فقر، گسختگی خانواده، بی‌ثباتی مکانی ساکنان و... به گمنامی و روابط بین ساکنین و مشارکت کم آن‌ها در سازمان‌ها و فعالیت‌های محلی منجر می‌شود (ولد و سنپس^۲، ۱۹۹۸). نظریه بی‌سازمانی اجتماعی رفتار فردی را تبیین نمی‌کند؛ بلکه این نظریه، قصد تبیین نوسانات میزان جرم و گرایش به مصرف مواد را دارد (پولسین و رابینسون^۳، ۲۰۰۴، ص. ۷۲).

از دیدگاه نظریه بی‌سازمانی اجتماعی، وجود گسترده اعتیاد در برخی نقاط جامعه ناشی از مشخصات سازمان اجتماعی است. طرفداران این نظریه در این حالت جامعه را ناهماهنگ می‌دانند؛ زیرا بخشی از مردم قادر به درک و جذب هدف‌های جامعه نیستند و نمی‌توانند با دستیابی به هدف‌های مطلوب اجتماعی احساس رضایت و کفایت کنند؛ در نتیجه به سوی الکلی و سایر مواد مخدر روی می‌آورند تا رضایتی را که نتوانسته‌اند در رابطه با اهداف جامعه کسب کنند، از طریق دیگر به دست آورند. طرفداران این نظریه از لحاظ دیگر نیز جامعه را ناهماهنگ می‌دانند و آن حالتی است که هنجارهای جامعه قادر به کنترل و تنظیم مصرف مواد مخدر نیست و از قدرت و نفوذ هنجارهای اجتماعی که مانع مصرف مواد مخدر هستند، نظیر سایر هنجارها، به هنگام بروز تغییر و تحول اجتماعی کاسته می‌شود (علی‌وردی‌نیا، ۱۳۸۷).

1. Talyor
2. Vold, & Snipes
3. Paulsen & Robinson

کنترل اجتماعی و گرایش به مواد مخدر: براساس نظریه کنترل اجتماعی کسانی که به اجتماع خود دل بستگی دارند، تمایل به تبعیت از مقررات آن نیز دارند، اما کسانی که از اجتماعی خود بریده‌اند، ممکن است به نقض آن مقررات تمایل داشته باشند. توجه به متغیرهای خانوادگی و نقش مؤثر سازمان‌ها و نهادهایی نظیر مدرسه و دین در نظریه کنترل اجتماعی و همچنین در تبیین رفتار انحرافی از اهمیت زیادی برخوردار است. افرادی که در محیط‌های اجتماعی مشترک زندگی می‌کنند، غالباً اعتقادات مشابه دارند و به ارزش‌های انسانی نظیر تشریک مساعی، حمایت از حقوق دیگران و اجرای ضوابط قانونی احترام می‌گذارند. اگر این اعتقادات وجود نداشته باشد یا ضعیف باشد، احتمال مشارکت افراد در اقدامات ضداجتماعی بیشتر است؛ به عبارت دیگر، برحسب نظریه کنترل اجتماعی هیرشی، هر اندازه تعلقات افراد به خانواده و دوستان، قوانین و مقررات، باورها و اعتقادات مذهبی و اهداف در دسترس ضعیف‌تر شود، تعهدات افراد به جامعه کمتر شده و ضعف تعهد به رفتار انحرافی منجر می‌شود. ضعیف شدن کنترل‌های اجتماعی موجب ترغیب فرد به سمت گروه‌های بزهکار و ایجاد ارتباط با این گروه‌ها و در نتیجه موجب یادگیری رفتار مجرمانه و انحرافی از جمله مبتلا مصرف مواد می‌شود (رابرتسون، ۱۳۷۴).

۱.۲. پیشینه تحقیق

در این پژوهش تلاش فراوان شد تا پیشینه داخلی مرتبط با موضوع پژوهش حاضر ارائه شود، اما هیچ پژوهش کمی (پیمایشی) و کیفی مرتبط با این موضوع یافت نشد؛ بنابراین برای دانستن نتایج پژوهش‌های دیگران مرتبط با این موضوع، به پژوهش‌های خارجی بسنده می‌شود. امید است این پژوهش سنگ‌بنا و بستری برای انجام پژوهش‌های جامع‌تر دیگر شود.

غفاری و اسماعیل‌پور (۱۳۹۶) در پژوهشی میدانی به بررسی عوامل مؤثر در دسترسی آسان به مواد مخدر در جامعه (ایران) پرداختند. طبق یافته‌ها، عوامل بیولوژیک، ویژگی‌های

فردی، عوامل خانوادگی، گروه‌های دوستی، کنجکاوی، قیمت ارزان و سادگی تهیه مواد مخدر، مهم‌ترین عوامل مهم در بروز اعتیاد و مصرف مواد هستند. همچنین با توجه به اجتماعی شدن رویکرد مبارزه با مواد مخدر، خانواده از ابتدا تا پایان مصرف مواد مهم‌ترین نقش را دارد و علاوه بر پیشگیری از مصرف، بهترین راه‌حل برای ترک و مقابله با اعتیاد و مصرف مواد است. جهان‌شاهلو، محمدخانی، امیری، فخاری و حسینی (۱۳۹۵) مطالعه‌ای به صورت توصیفی و همبستگی با مشارکت ۴۳۱ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی (ایران) انجام دادند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه عوامل خطر ساز و محافظت‌کننده مصرف مواد و مقیاس خطرپذیری جوانان جمع‌آوری شد. یافته‌ها و نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیری نشان داد که مصرف مواد توسط دوستان و دسترس‌پذیری ادراک‌شده بعد از عوامل فردی (نگرش به مواد، هیجان‌خواهی و تکانشگری)، بهترین پیش-بین‌های گرایش به مصرف مواد در دانشجویان هستند. طبق نتایج پیشین نیز بین دسترسی واقعی یا ادراک‌شده به مواد مخدر با مصرف مواد توسط نوجوانان ارتباط معناداری مشاهده شده است. در واقع، میزان گرایش جوانان به رفتارهای پرخطر نظیر مصرف مواد مخدر و الکل در محله‌های نابسامانی که دسترسی آسانی به این مواد وجود دارد، بسیار بیشتر است. در پژوهشی رضایی و صنوبری (۱۳۹۲) نگرش دانشجویان به مواد مخدر و تعیین نقش بازدارنده منع قانونی، ممانعت خانواده، نبود دسترسی به مواد و اعتماد به خود بررسی شد. در این پژوهش از روش زمینه‌یابی مقطعی استفاده شد و به منظور دستیابی به هدف پژوهش، مقیاس علاقه به مصرف مواد مخدر در بین ۴۰۰ نفر از دانشجویان شهر دزفول که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی انتخاب شده بودند، اجرا شد. طبق نتایج، ۵/۱۲ درصد برای یک بار هم که شده است، دوست دارند مواد مصرف کنند. همچنین نتایج نشان داد که اگر منع قانونی نباشد، ۳/۹ درصد و اگر ممانعت خانواده نباشد، ۶،۵ درصد از دانشجویان احتمالاً مواد مخدر مصرف خواهند کرد. علاوه بر آن، در صورتی که مواد مخدر در دسترس باشد، ۳/۹ درصد از دانشجویان احتمالاً مصرف خواهند کرد و ۳ درصد بیان کردند که برای یک بار

هم که شده است، آن را امتحان خواهند کرد. می‌توان برای پیشگیری از مصرف، نقش عوامل قانونی، خانوادگی و ممانعت از دسترسی را تقویت کرد و با روش‌های بهبود و ارتقای اعتماد به نفس از مصرف مواد مخدر جلوگیری کرد. فرزین‌فر (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان «اعتیاد و علل و پیامدهای آن» به بررسی نرخ بیکاری و زمینه‌های اعتیاد در شهرستان خلخال (ایران) پرداخت. برخی از نتایج پژوهش عبارت است از: ۱- سن شروع مصرف مواد مخدر، براساس نظر ۷۸ درصد از مسئولان بین ۱۶ تا ۲۵ سالگی یعنی نوجوانی و جوانی است؛ ۲- درباره شایع‌ترین شغل مصرف‌کنندگان مواد مخدر، ۸۵ درصد از مردم و ۹۲ درصد از مسئولان معتقدند که مصرف‌کنندگان مواد مخدر بیشتر بیکار هستند؛ ۳- مهم‌ترین علت مصرف مواد مخدر، طبق اظهار نظر ۸۴ درصد از مردم و ۸۹ درصد از مسئولان، فراوانی و در دسترس بودن مواد در اولویت اول است و سپس بی‌توجهی و کنترل‌نکردن والدین است. مولوی (۱۳۸۳) پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر در گرایش جوانان به مصرف مواد مخدر» روی ۹۰ نفر (۴۵ معتاد و ۴۵ غیرمعتاد) در محیط زندان اردبیل (ایران) انجام داد. نتایج پژوهش نشان داد که متغیرهای افسردگی با ضریب $4/44$ ، طلاق والدین با ضریب $3/23$ معاشرت با افراد ناباب $2/58$ ، سیگار کشیدن با $2/17$ و شکست تحصیلی با $1/57$ ، بیشترین تأثیر را بر گرایش جوانان به مصرف مواد مخدر دارند. احتمالاً می‌توان با آموزش مهارت‌های زندگی، گسترش مشاوره خانواده، ایجاد مراکز و کلاس‌های آموزش هنری، فرهنگی و فنی و حرفه‌ای از گسترش آن جلوگیری کرد.

لیان تام^۱ و چوفو^۲ (۲۰۱۲) پژوهشی با عنوان «عوامل تأثیرگذار بر سوءمصرف مواد مخدر و دسترسی به مواد مخدر» (در آمریکا) انجام دادند. نتایج نشان داد که نگرش به مصرف مواد مخدر، روش‌های توزیع و دستیابی به مواد مخدر بر سوءمصرف مواد مخدر تأثیرگذار است و دسترسی به مواد مخدر نتیجه فناوری‌های پیشرفته است. طبق یافته‌های این پژوهش،

1. Lian Tam
2. Chu Foo

دولت و سازمان‌های مردم‌نهاد باید مداخلات و اقدامات پیشگیرانه مؤثر را انجام دهند. گلانتز و هارتل^۱ (۲۰۰۲) به این نتیجه رسیدند که کودکان از طریق مصرف الکل توسط همسالان و نگرش‌های آنان به مصرف مواد، تحت تأثیر قرار می‌گیرند. نوجوانانی که دوستانشان به الکل و سایر مواد دسترسی دارند، به‌طور فزاینده‌ای در معرض خطر هستند و احتمال زیادی برای تبدیل آن‌ها به مصرف‌کننده مواد وجود دارد. بزرگسالان اغلب از طریق همسالانشان به این صورت تأثیرپذیرند که ماده خاصی را انتخاب می‌کنند (علی‌وردی‌نیا، ۱۳۸۷). نتیجه پژوهش‌های سالانه انستیتوی ملی اعتیاد به مواد مخدر کشور آمریکا درباره مصرف مواد مخدر و نوشیدن مشروبات الکلی توسط جوانان نشان می‌دهد که ۶۰ درصد از دانش‌آموزان مقطع دبیرستان گفته‌اند که الکل مصرف کرده‌اند و ۴۶ درصد نیز ماری‌جوانا دود کرده‌اند. آن‌ها همچنین آلاس‌دی، محرک‌ها، اکستازی، کوکائین و هرین مصرف کرده‌اند. این نهاد پیشنهاد می‌کند که حتی در صورت اطمینان ۹۹ درصد از مصرف‌نکردن مواد توسط فرزندان باز هم امکان مصرف مواد توسط آن‌ها وجود دارد.

نتایج کلی پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که گرایش به مواد مخدر با عوامل و زمینه‌های مختلف ارتباط دارد. عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به مواد مخدر نیز متنوع و چندمتغیره است؛ به‌طوری‌که تربیت خانوادگی، خشونت در خانواده، اعتیاد یکی از اعضای خانواده، دوستان ناباب، سرخوردگی‌ها و شکست‌ها در زندگی، دسترسی آسان، بیکاری و فقر، نظارت ضعیف، ناهنجاری‌های اجتماعی و مدیریت‌نشدن اوقات فراغت از مهم‌ترین عوامل اجتماعی بر گرایش به مواد مخدر است. در این پژوهش علاوه بر محک زدن متغیرهای تأثیرگذار بر گرایش به مواد مخدر در پژوهش‌های انجام‌شده، تلاش شده است با توجه به شرایط خاص جامعه افغانستان، تأثیرات ناامنی، ناامیدی، نبود دسترسی به امکانات اوقات فراغت و عادی شدن توزیع و مصرف را بر گرایش به مواد مخدر نیز بررسی شود.

۳. روش شناسی تحقیق

این تحقیق براساس هدف از نوع کاربردی است که به شیوه تبیینی و توصیفی-تحلیلی و با روش پیمایشی به مسئله پرداخته است. نخست، مبانی نظری موضوع و پیشینه تحقیق از طریق تحقیق کتابخانه‌ای و الکترونیکی کاوش شد. جامعه آماری پژوهش، شهروندان ۱۸ ساله تا ۳۵ ساله شهر کابل بودند که شامل هم‌بومیان و غیربومیان می‌شدند. نمونه‌های تحقیق به شکل تصادفی ساده و تصادفی سیستماتیک از میان کاربران شبکه‌های مجازی و اینترنت و نیز به صورت فراخوان عمومی برای تکمیل پرسشنامه آنلاین به جوانان شهرکابل در شبکه اجتماعی فیسبوک انتخاب شدند که در مجموع ۲۵۱ نفر از میان جوانان ساکن در شهر کابل به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند. گردآوری داده‌ها به وسیله پرسش‌نامه‌های محقق ساخته صورت گرفت که براساس سؤال‌ها و فرضیه‌های تحقیق و براساس مقیاس لیکرت تنظیم شد و از میان نمونه‌های انتخاب شده و فراخوان عمومی از جامعه آماری تکمیل شده است. سپس داده‌های جمع‌آوری شده طبقه‌بندی شد و وارد نرم‌افزار SPSS شد و پس از طی مراحل شاخص‌های پژوهش ساخته شد و سهم هر یک از آن‌ها در تخمین میزان متغیر وابسته به دست آمد. پس از آن، آزمون‌های (T)، (F)، همبستگی و رگرسیونی انجام شد. اعتبار پایایی تحقیق نیز با روش‌های مرسوم انجام شد که روایی^۱ مقیاس با استفاده از تکنیک روایی صوری و تأیید استاد و اعتبار پایایی^۲ مقیاس و دقت پرسشنامه‌ها نیز به روش همسانی درونی و با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ^۳ صورت گرفت.

فرضیه‌های تحقیق عبارت‌اند از:

۱. تعیین اینکه آیا ابزار اندازه‌گیری سنجه مناسبی برای بررسی شاخص‌های مدنظر است یا خیر.

2. Reliability

3. Cronbach's Coefficient Alpha

۱. جوانان در کابل به امکانات اوقات فراغت مانند فضاهای سبز، پارک‌ها، میدان‌های فوتبال، فوتسال، والیبال، سینما و... دسترسی ندارند و این کمبودها با گرایش جوانان به مواد مخدر مرتبط است؛
۲. افزایش خشونت‌ها و ناامنی فیزیکی و روانی ناشی از انتحار و انفجار در شهر کابل با گرایش جوانان به مواد مخدر ارتباط دارد؛
۳. دوستان و همسالان معتاد در گرایش و ابتلای جوانان به مواد مخدر نقش دارند؛
۴. بی‌هنجاری و عادی شدن مصرف مواد با گرایش جوانان به مصرف مواد ارتباط دارد؛
۵. اعتیاد یکی از اعضای خانواده با گرایش جوانان به مواد مخدر ارتباط دارد؛
۶. خشونت در خانواده با گرایش جوانان به مواد مخدر مرتبط است.

۴. یافته‌های تحقیق

نتایج آزمون رابطه متغیرهای زمینه‌ای با گرایش به مواد مخدر در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. نتایج آزمون رابطه متغیرهای زمینه‌ای با گرایش به مواد مخدر

sig	T	گرایش به مواد متغیرهای زمینه‌ای	
		میانگین	ابعاد
۰/۸۶۳	۰/۱۷۳	۴۳/۳۲	مجرد
		۴۳	متاهل
۰/۷۸۸	۰/۲۶۹	۴۳/۳۳	بومی شهر کابل
		۸۵۳/۴۲	غیربومی
۰/۱۶	-۲/۴۴۱	۴۱/۷۵	شاغل
		۴۶/۳۱	غیرشاغل
۰/۸۵۱	۰/۱۸۸	۴۳/۳۸	بلی
		۴۲/۹۶	خیر

تحلیل آزمون T یا تأثیر متغیرهای زمینه‌ای بر گرایش جوانان شهرکابل به مواد مخدر نشان می‌دهد، بین وضعیت تأهل و مجرد تفاوت معناداری در گرایش به مواد مخدر وجود ندارد. بین وضعیت سکونت (بومی شهرکابل و غیربومی) نیز تفاوت معناداری در گرایش به مواد وجود ندارد. در وضعیت اشتغال تفاوت معناداری بین شاغلان و بیکاران وجود ندارد و این جدول و ضریب معناداری آن نشان می‌دهد که بیکاران در مقایسه با شاغلان گرایش بیشتری به مواد مخدر دارند. اعتیاد یکی از اعضای خانواده نیز بر سوءمصرف و گرایش به مواد مخدر تأثیر نداشته است، اما مصرف مواد در حال حاضر، تفاوت معناداری با کسانی دارد که در حال حاضر مصرف‌کننده مواد نیستند. در این آزمون فقط تأثیر متغیر بیکاری بر گرایش جوانان شهرکابل به مواد مخدر تأیید شد.

جدول ۲. نتایج آزمون رابطه متغیرهای مستقل با گرایش به مواد مخدر

sig	اندازه همبستگی	گرایش به مواد مخدر
		متغیرهای مستقل
۰/۹۹۱	۰/۰۰۱	سن
۰/۹۵۹	۰/۰۰۱	بعدخانوار
-۰/۱۹۸	-۰/۱۸۱	درآمد
۰/۰۰۰	۰/۹۶۸	جوانان در کابل به امکانات اوقات فراغت مانند فضاهای سبز، پارک‌ها، میدان‌های فوتبال، فوتسال، والیبال، سینما و... دسترسی ندارند و این کمبودها با گرایش جوانان به مواد مخدر مرتبط است.
۰/۰۰۰	۰/۵۸۱	افزایش خشونت‌ها و ناامنی فیزیکی و روانی ناشی از انتحار و انفجار در شهرکابل با گرایش جوانان به مواد مخدر ارتباط دارد.
۰/۰۰۰	۰/۵۵۱	دوستان و همسالان معتاد در گرایش و ابتلای جوانان به مواد مخدر نقش دارند.
۰/۰۰۰	۰/۴۲۷	بی‌هنجاری و عادی شدن مصرف مواد با گرایش جوانان به مصرف مواد ارتباط دارد.
۰/۰۰۰	۰/۵۲۶	خشونت در خانواده با گرایش جوانان به مواد مخدر مرتبط است.

تحلیل آزمون رابطه متغیرهای مستقل با گرایش به مواد مخدر در جدول ۲ نشان می‌دهد، بین سن و تعداد اعضای خانوار با گرایش به مواد مخدر رابطه همبستگی مشاهده نشد و این روابط از نظر آماری معنادار نیست، اما بین متغیرهای داشتن امکانات اوقات فراغت، احساس ناامنی در شهر کابل، داشتن دوستان و همسالان ناباب، بی‌هنجاری و تنش‌های خانوادگی با گرایش به مواد مخدر همبستگی و رابطه مثبت و معناداری مشاهده شد؛ یعنی هرچه اوقات فراغت بیشتر باشد و امکانات گذران آن وجود نداشته باشد، سطح خشونت‌های فزینگی و روانی در شهر کابل بیشتر باشد، دوستان و همسالان ناباب داشته باشند و تنش‌های خانوادگی بیشتر باشد، به همان اندازه گرایش به مواد مخدر افزایش پیدا می‌کند. همچنین نداشتن درآمد یا درآمد ناچیز و گرایش به مواد مخدر رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی هرچه درآمد افراد افزایش می‌یابد، گرایش به مواد مخدر کاهش می‌یابد و برعکس.

جدول ۳. نتایج آزمون F درباره رابطه بین تحصیلات و گرایش به مواد مخدر

Sig	F	میانگین	ابعاد	
۰/۰۰۰	۲۹/۷۷	۵۳/۸۳	بی‌سواد	تحصیلات
		۴۷/۵۳	دوازده پاس	
		۳۹/۰۵	تحصیلات دانشگاهی	

تحلیل آزمون چندمتغیره (F) نشان می‌دهد، بین تحصیلات و گرایش به مواد مخدر رابطه معناداری وجود دارد، یعنی به هر اندازه سرمایه انسانی و تحصیلات افراد بیشتر باشد، به همان اندازه گرایش کمتری به مواد مخدر دارند و برعکس جوانان بی‌سواد یا با تحصیلات کم گرایش بیشتری به مواد مخدر نشان می‌دهند.

جدول ۴. نتایج تحلیل رگرسیونی تأثیر متغیرهای مستقل بر گرایش به مواد مخدر

Sig	T	ضرایب استاندارد شده	Std. Error	ضرایب خام	متغیرهای مستقل
		Beta		β	
۰/۰۰۰	۴/۵۶	-	۳/۱۱	۱۴/۳۱۹	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۴/۹۲	۰/۴۸۸	۰/۱۳۴	۰/۶۵۸	امکانات اوقات فراغت و گرایش به مواد مخدر
۰/۰۰۴	۲/۹۵	۰/۲۶۸	۰/۲۰۲	۰/۵۹۷	بی‌هنجاری و گرایش به مواد مخدر
۰/۰۰۲	۲/۳۹	۰/۲۲۶	۰/۱۷	۰/۴۰۶	دوستان ناباب و گرایش به مواد مخدر

به منظور تبیین گرایش به مواد مخدر براساس متغیرهای امکانات اوقات، بی‌هنجاری و دوستان ناباب، از رگرسیونی چندمتغیره به روش گام به گام استفاده شده است. در مجموع از ۱۰ متغیر وارد شده به معادله رگرسیونی، سه متغیر مستقل مهم این در این تحلیل باقی ماندند که ضریب همبستگی آن‌ها با گرایش به مواد مخدر برابر با $R = ۰/۷۷۸$ و ضریب تعیین برابر با $R^2 = ۰/۶۰۶$ و ضریب تعیین خالص برابر $R^2 = ۰/۵۸۵$ شده است. این ضرایب بیانگر آن است که حدود ۵۸٫۵ درصد از واریانس گرایش جوانان شهر کابل به مواد مخدر توسط این متغیرها در معادله رگرسیونی تبیین می‌شود. در مجموع، طبق اطلاعات جدول ۴ و با توجه به ضرایب بتاهای استاندارد شده، ملاحظه می‌شود که نبود امکانات اوقات فراغت با $\beta = ۰/۴۸۸$ ، بی‌هنجاری با $\beta = ۰/۲۶۸$ و دوستان ناباب با $\beta = ۰/۲۲۶$ در گرایش جوانان شهر کابل به مواد مخدر سهم معناداری دارند. ملاحظه می‌شود که نبود امکانات اوقات فراغت بیشترین تأثیر را بر گرایش به مواد مخدر دارد؛ یعنی هرچی میزان اوقات فراغت افراد بیشتر باشد و دسترسی به امکانات مناسب گذران آن وجود نداشته نباشد، جوانان بیشتر به مواد مخدر گرایش پیدا می‌کنند. جدول ۴ نشان می‌دهد که احساس بی‌هنجاری و دوستان ناباب نیز در گرایش به مواد مخدر تأثیر مثبت و معناداری دارند.

۵. بحث

طبق نتایج به دست آمده از جامعه آماری پژوهش، حدود ۶۹ درصد متأهل و ۳۱ درصد مجرد، ۶۵/۵ درصد با تحصیلات دانشگاهی، ۲۸/۶ درصد دوازده پاس و باقی مانده بی سواد بودند. درآمد افراد بین صفر تا ۸۸۰۰۰۰ افغانی بود و ۶۶/۴ درصد افراد غیربومی و ۳۳/۶ درصد افراد بومی بودند. وضعیت اشتغال نیز با ۷۴/۹ درصد شاغل و ۲۵/۱ درصد غیرشاغل بود. ۸۷/۴ درصد گفتند که هیچ یک از اعضای خانواده معتاد به مواد مخدر نیستند، ولی ۱۲/۶ درصد یکی از اعضای خانواده شان معتاد بوده است و نیز ۹۲/۳ درصد گفتند که در حال حاضر مواد مخدر مصرف نمی کنند و ۷/۷ درصد از این اعضای جامعه آماری در حال حاضر مواد مصرف می کنند.

یافته های این پژوهش نشان می دهد، متغیرهای اجتماعی چون نبود امکانات اوقات فراغت (نبود فضاهای سبز، نبود پارک ها، بی توجی رسانه ها به برنامه های تفریحی و سرگرم کننده، بی توجهی جامعه و بزرگسالان به تفریح و سرگرمی جوانان، نبود فرهنگ تفریح و مدیریت اوقات اوقات فراغت و...)، ناامنی ها و افزایش خشونت های فزیکتی و روانی در شهرکابل، بی هنجاری و نبود نظارت اجتماعی بر گرایش و سوء مصرف مواد مخدر، تنش های خانوادگی و نبود سازگاری مناسب میان زوج ها و فرزندان، داشتن دوستان و همسالان ناباب و آلوده به مواد مخدر، بی سواد و کم سواد و نداشتن درآمد و درآمد ناچیز، بر گرایش جوانان شهر کابل به مواد مخدر تأثیرگذار بوده اند و نیز دارای همبستگی و رابطه معناداری بوده اند، اما بین متغیرهای چون سن، وضعیت تأهل، بومی بودن یا غیربومی بودن و تعداد اعضای خانوار دارای رابطه معناداری با گرایش جوانان شهرکابل به مواد مخدر مشاهده نشد. یافته ها بیانگر این واقعیت است که گرایش جوانان شهرکابل به مواد مخدر متأثر از شرایط و اوضاع کلی جامعه و ناهنجاری های ناشی از جنگ و خشونت های چند دهه اخیر است. این ناهنجاری ها و کمبودها (نداشتن امکانات اوقات فراغت، احساس ناامنی، بی هنجاری و نبود نظارت اجتماعی، تنش و ناسازگاری در خانواده، بی سواد و کم سواد، بیکاری و نداشتن درآمد و

دوست شدن با افراد آلوده و ناباب) به هر میزانی فراوانی و افزایش داشته باشد، به همان میزان گرایش جوانان به مواد مخدر افزایش می‌یابد و اگر به این چالش‌ها و کمبودها توجه شود، گرایش و ابتلای جوانان نیز به مواد مخدر کاهش می‌یابد؛ بنابراین این فرضیه‌ها تأیید شد: ۱- جوانان در کابل به امکانات اوقات فراغت مانند فضاهای سبز، پارک‌ها، میدان‌های فوتبال، فوتسال، والیبال، سینما و... دسترسی ندارند و این کمبودها با گرایش جوانان به مواد مخدر مرتبط است؛ ۲- افزایش خشونت‌ها و ناامنی فیزیکی و روانی ناشی از انتحار و انفجار در شهر کابل با گرایش جوانان به مواد مخدر ارتباط دارد؛ ۳- دوستان و همسالان معتاد در گرایش و ابتلای جوانان به مواد مخدر نقش دارند؛ ۴- بی‌هنجاری و عادی شدن مصرف مواد با گرایش جوانان به مصرف مواد ارتباط دارد؛ ۵- خشونت در خانواده با گرایش جوانان به مواد مخدر مرتبط است. فرضیه اعتیاد یکی از اعضای خانواده با گرایش جوانان به مواد مخدر تأیید نشد و بین این دو متغیر رابطه معناداری وجود نداشت.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف این پژوهش پاسخ به این سؤال اصلی است که عوامل مؤثر اجتماعی بر گرایش به مواد مخدر در بین جوانان شهر کابل کدام‌اند؟ گرایش جوانان به مواد مخدر یکی مشکلات اساسی کشورهای جهان از جمله افغانستان است. پژوهش‌ها و آمارها نیز نشان می‌دهد که جوانان از جمله مستعدترین گروه‌های سنی در معرض گرایش به مواد مخدر هستند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد، دسترسی آسان به مواد مخدر، بیکاری و نبود تفریح و سرگرمی، کاهش نظارت اجتماعی، تنش‌های خانوادگی، دوستان و همسالان آلوده و شکست و سرخوردگی‌ها از جمله عوامل اجتماعی گرایش جوانان به مواد مخدر است. نظریه‌های نیز در جامعه‌شناسی تبیین‌کننده گرایش جوانان به مواد مخدر است. نظریه آنومی و بی‌هنجاری وضعیتی را بیان می‌کند که جامعه توان عرضه قواعد رفتاری و اخلاقی قابل قبول را برای اعضایش ندارد و در چنین وضعیتی افراد به رفتارهای انحرافی از جمله سوءمصرف مواد

مخدر اقدام می کنند. نظریه یادگیری اجتماعی و نظریه اجتماعی شدن نیز بر نقش خانواده و دوستان در یادگیری رفتار انحرافی از جمله گرایش به مواد مخدر بررسی شدنی است. نظریه کنترل اجتماعی به نقش نظارت های رسمی و غیررسمی در هنجارمند کردن رفتار افراد تأکید دارد و در صورت مکانیزم های نظارتی فعال نباشد، افراد به انحراف ها اقدام می کنند.

دوره جوانی به عنوان دوره ای حساس، پرهیجان و احساسات و به عنوان دوره ای پرمخاطره در رفتار و گرایش های افراد محسوب می شود. در این دوره، تمایلات و علایق افراد به پدیده های پرخطر و متحول کننده افزایش می یابد، نظارت خانوادگی کاهش یافته و برعکس استقلال شخصیتی و رفتاری افراد افزایش می یابد. همچنین افراد در این دوره، دوستان و همسالان جدید انتخاب می کنند، باورها و اعتقادات افراد دچار بازبینی و در معرض سؤال های جدی قرار می گیرد و همچنین جنون جوانی که یکی از آسیب های سلامت روانی و جسمی است، در این دوره پدید می آید، عواطف و گرایش های عشقی و فشار ناشی از هیجان های شهوت در این برهه زمانی نیز بر این گروه سنی، فشار وارد می کند. این همه در نبود امکانات مناسب تربیتی، آموزشی، تفریحی، نظارت اجتماعی و برآورده نشدن نیازها و خواسته های جوانان، آن ها را در معرض انواع انحراف ها از جمله گرایش به مصرف مواد مخدر قرار می دهد (طارمیان، ۱۳۸۷). چنانچه یافته های این پژوهش نیز نشان داد، نبود امکانات اوقات فراغت، نبود نظارت اجتماعی و داشتن دوستان ناباب و آلوده رابطه معناداری با گرایش جوانان شهرکابل به مواد مخدر داشتند. در تاج (۱۳۸۹) در تحقیقی نشان داده است که گرایش به مصرف مواد مخدر در میان جوانان با نداشتن برنامه های تفریحی و سرگرمی و نبود نظارت اجتماعی (رسمی و غیررسمی) ارتباط معنادار دارد و ما نیز در این پژوهش دریافتیم که نداشتن امکانات اوقات فراغت با گرایش جوانان شهر کابل به مواد مخدر مرتبط است. حسین خانزاده طاهر، سیدنوری، آیدا و عیسی پور (۱۳۹۲) به بررسی رابطه شیوه تعامل والد-فرزند با میزان اعتیادپذیری و گرایش به جنس مخالف پرداختند، حیدرنژاد، باقری و اصانلو (۱۳۹۱) به بررسی مقایسه سرمایه اجتماعی و اعتیاد پرداختند، کیومکو و

لویت^۱ (۲۰۰۳) در رابطه به احساس ناامنی و گرایش جوانان به مواد مخدر تحقیق کردند و کنز دیل^۲ (۲۰۱۰) در رابطه بی‌هنجاری و نبود نظارت اجتماعی و مصرف مواد پژوهشی را انجام دادند که همه پژوهش‌های یادشده با یافته‌های پژوهش حاضر همسوست. به لحاظ نظری نیز نظریه‌های چون بی‌هنجاری و آنومی، نظریه یادگیری اجتماعی، نظریه اجتماعی شدن، نظریه تضاد، نظریه ساختارگرایی، نظریه کنترل اجتماعی، نظریه سرمایه انسانی و اجتماعی و نظریه بی‌سازمانی هریک به نوبه خود، نتایج این پژوهش را تأیید می‌کند.

در این پژوهش، عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش جوانان شهرکابل به مواد مخدر بررسی شد. این پژوهش به شیوه پیمایشی و با مقیاس لیکرت و به شکل تبیینی، توصیفی و تحلیلی انجام شد. جامعه آماری این پژوهش جوانان بین ۱۸ سال تا ۳۵ ساله شهر کابل بودند که هم بومیان و هم غیربومیان را در بر می‌گرفت که کاربران فضای مجاری و اینترنت بودند. پرسشنامه محقق ساخته با رعایت اعتبار و روایی از میان این جامعه آماری به تعداد ۲۵۱ پرسشنامه تکمیل شد. نتایج آزمون‌های F ، T ، همبستگی و تحلیل رگرسیونی نشان داد، نداشتن امکانات اوقات فراغت، احساس ناامنی، بی‌هنجاری، تنش‌های خانوادگی، دوستان ناباب با گرایش به مواد مخدر رابطه معنادار و مثبت دارد و سطح درآمد، سطح سواد و اشتغال نیز در گرایش به مواد تأثیرگذار بوده است، اما وضعیت تأهل، حجم خانوار، بومی بودن یا غیربومی بودن، سن و مصرف مواد توسط یکی از اعضای خانواده نقشی در گرایش جوانان شهرکابل به مواد مخدر نداشته است.

پیشنهادهای تحقیق عبارت‌اند از:

- ۱- نیاز است دولت زمینه‌ها و امکانات اوقات فراغت مثل ساختن پارک‌ها، فضاهای سبز، میادین فوتبال، فوتسال، والیبال، سینما و... در اولویت برنامه‌های شان قرار دهد؛

1. Kuiemko & Levitt
2. Kenzdeal

- ۲- همه نهادها و سازمان‌های فرهنگی و آموزشی تا رسانه‌ها و حتا گروه‌های امداد رسان خارجی بایست در تهیه و نشر برنامه‌های تفریحی، سرگرم‌کننده نقش بگیرند و در زمینه آگاهی‌دهی خطرات و ضررهای استفاده مواد مخدر برنامه‌های مختلفی را روی دست گیرند؛
- ۳- حکومت باید به فضای، ناامنی، ناامیدی و خشونت روانی در شهر کابل پایان دهد؛
- ۴- دولت و همه‌ی نهادهای فرهنگ‌ساز باید روی فرهنگ قباحت‌زدایی شده از مواد مخدر کار کنند و این پدیده را به عنوان یک شرم و ناهنجار اجتماعی در فرهنگ عامیانه نهادینه کرده و نیز برای جمع‌آوری تمام معتادان از سطح جاده‌ها، زیرپل‌ها و... اقدامات فوری انجام دهند؛
- ۵- به وجود آمدن مکانیزم‌های قانونی و اجتماعی برای نظارت و کنترل مصرف مواد مخدر و مقابله جدی با عرضه و پخش مواد در سطح شهر؛
- ۶- اشتغال‌یابی و کارآفرینی برای جوانان افزایش یابد؛
- ۷- اجرایی کردن قانون خانواده و آگاهی‌دهی از نتایج منفی تنش‌های خانگی؛
- ۸- زمینه‌سازی برای باسوادسازی جوانان مانده از تحصیل.

کتابنامه

۱. اورنگ، ج. (۱۳۷۶). پژوهشی درباره‌ی اعتیاد. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲. آبادینسکی، هو. (۱۳۸۲)، جامعه‌شناسی مواد مخدر (م. ع. زکریایی، مترجم). تهران: دبیرخانه ستاد مبارزه با مواد مخدر.
۳. آدرم، م.، نیک منش، ز. (۱۳۹۰). گرایش به مصرف مواد در جوانان براساس ویژگی‌های شخصیت، مجله تحقیقات علوم پزشکی زاهدان، ۱۴(۲)، ۱۰۱-۱۰۴.
۴. جهان شاه لو، م.، محمدخانی، ش.، امیری، ح.، فخاری، آ.، و حسینی، س. (۱۳۹۵). عوامل خطرساز و محافظت‌کننده فردی، خانوادگی و اجتماعی گرایش به مصرف مواد در دانشجویان، سلامت اجتماعی مجله مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، ۳(۲)، ۱۲۷-۱۳۷.

۵. حجاریان، ا.، و قنبری، ی. (۱۳۹۲). شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های اجتماعی مؤثر در گرایش جوانان روستایی به اعتیاد در مناطق روستایی شهرستان اصفهان. *فصلنامه اعتیاد پژوهی سوء مصرف مواد*، ۷(۲۷)، ۶۷-۷۸.
۶. حسین‌خانزاده، ع.، طاهر، م.، سیدنوری، س.، یحیی‌زاده، آ.، و عیسی‌پور، م. (۱۳۹۲). رابطه شیوه تعامل والد-فرزند با میزان اعتیادپذیری و گرایش به جنس مخالف در دانشجویان. *فصلنامه علمی اعتیاد پژوهی*، ۷(۲۷)، ۵۹-۷۴.
۷. حیدرنژاد، ع.، باقری بنجار، ع.، و اصانلو، ع. (۱۳۹۱). مقایسه میزان سرمایه اجتماعی در جوانان معتاد و غیرمعتاد. *فصلنامه علمی اعتیاد پژوهی*، ۶(۲۴)، ۹۴-۸۵.
۸. دورکیم، ا. (۱۳۶۰). *فلسفه و جامعه‌شناسی (ف. خمسه‌ای، مترجم) تهران: مرکز ایرانی مطالعه فرهنگ‌ها*.
۹. دهخدا. (۱۳۷۲). *لغت‌نامه دهخدا*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. رابرتسون، ی. (۱۳۷۴). *درآمدی بر جامعه‌شناسی (ح. بهروزان، مترجم) (چاپ دوم)*. تهران: انتشارات آستا.
۱۱. رحمانی فضلی، ع. (۱۳۹۶). *رشد ۵۰ درصدی تجارت مواد مخدر در فضای مجازی / مصرف «هرئین» در حال افزایش است*. بازیابی از <http://jjo.ir/koqiirqi>
۱۲. رضایی، ع. م.، و صنوبری، م. (۱۳۹۲). نگرش دانشجویان به مواد مخدر: نقش بازدارنده منع قانونی، ممانعت خانواده، عدم دسترسی به مواد و اعتماد به خود. *فصلنامه اعتیاد پژوهی سوء مصرف مواد*، ۷(۲۸)، ۴۳-۵۸.
۱۳. شورای نویسندگان. (۱۳۷۹). *اعتیاد و پیشگیری با درمان*. یزد: انتشارات نیکوروش با همکاری دبیرخانه کمیسیون پیشگیری از اعتیاد استان یزد.
۱۴. شهدادی، ح. (۱۳۸۹). *روش تحقیق در پرستاری*. تهران: انتشارات جامعه نگر با همکاری دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی زابل.
۱۵. صادقی، ک. (۱۳۸۷). *جرم‌شناسی*. تهران: بی‌نا.
۱۶. صدیق سروسستانی، ر. (۱۳۷۷). *آیا اعتیاد یک مسئله اجتماعی است؟ سمینار اعتیاد به مواد مخدر*، تبریز.

۱۷. صدیق سروستانی، ر. (۱۳۸۹). *آسیب‌شناسی اجتماعی* (چاپ ششم). تهران: انتشارات سمت.
۱۸. علوی فر، م. (۱۳۹۵). *بررسی جامعه‌شناختی عوامل گرایش به مواد مخدر در خانواده های شهرستان نرماشیر و ارائه راهکارهای اثربخش در جهت اصلاح گرایشات مذکور در سال ۱۳۹۵* (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان، کرمان، ایران.
۱۹. علی وردی نیا، ا. (۱۳۸۷). *تبیین جامعه‌شناختی دستگیری های مرتبط با مواد مخدر: مطالعه موردی استان مازندران، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۷(۲۸)، ۲۸۵-۳۰۷*.
۲۰. غفاری، م.، و اسماعیل پور پورعسکری، ن. (۱۳۹۶). *بررسی موضوعی عوامل مؤثر در مصرف مواد مخدر در جامعه، فصلنامه مطالعات حقوق، ۴(۱۷)، ۵۹-۷۲*.
۲۱. فرخ پور، م. ع. (۱۳۸۲). *آسیب‌های اجتماعی (عوامل و راهکارها)*، بی‌جا: انتشارات دانش گستران.
۲۲. فرزین فر، م. (۱۳۹۲). *اعتیاد و علل و پیامدهای آن. تغییرات اجتماعی - فرهنگی، ۱(۱۵)، ۱۱۰-۱۲۴*.
۲۳. کوثری، م. (۱۳۸۲). *آنومی اجتماعی و اعتیاد به مواد مخدر. فصلنامه علمی - پژوهشی اعتیادپژوهی، ۶(۲)، ۱۳-۳۰*.
۲۴. محبوبی منش، ح. (۱۳۸۲). *اعتیاد مردان، تهدیدی علیه زن و خانواده. فصلنامه شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، ۶(۲۲)، ۶۷-۹۰*.
۲۵. محمدی، ج.، کرمی، م.، رسولی ندا، ح.، ر.، رسولی، م.، و فضلی، م. (۱۳۹۳). *بررسی عوامل مؤثر در گرایش دانش آموزان دوره متوسطه به سوء مصرف مواد مخدر و راه‌های پیشگیری از آن. فصلنامه مطالعات مبارزه با مواد مخدر، ۶(۲۰)، ۶۳-۷۸*.
۲۶. مزیدی، ع. (۱۳۹۳). *جوانان: تهدیدها و امیدها*. پشاور: انتشارات دانش.
۲۷. ممتاز، ف. (۱۳۸۱). *انحرافات اجتماعی: نظریه‌ها و دیدگاه‌ها*، تهران: نشر شرکت سهامی انتشار.
۲۸. مولوی، پ. (۱۳۸۳). *بررسی عوامل مؤثر در گرایش جوانان به مصرف مواد مخدر. فصلنامه اصول بهداشت روانی، ۶(۲۱)، ۴۹-۵۵*.
۲۹. نوری، ر.، صدیقیان، آ.، رفیعی، ح.، نارنجی‌ها، ه.، صرامی، ح.، و باغستانی، ا. (۱۳۸۷). *تحلیل روند اعتیاد در طی دو دهه اخیر (روند پدیده های مرتبط با اعتیاد در طی سال‌های اجرای برنامه اول تا*

چهارم توسعه)، تهران: مرکز تحقیقات سوء مصرف و وابستگی به مواد دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

۳۰. یوسفی لویه، و.، و یوسفی لویه، م. (۱۳۸۸). سنجش گرایش دانشجویان نسبت به اینترنت. *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، ۹(۴۲)، ۱۱۷-۱۳۵.

31. Akers, R. L., & Christine. S. S. (2004). *Criminological theories: Introduction, evaluation and application* (4th Edition). Los Angeles: Roxbury Publishing Company.
32. Currie, E. (1993). *Reckoning drugs, the cities, and the American future*. New York: Hill and Wang.
33. Hadland, S. E., Marshall, B. D., Kerr, T., Lai, C., Montaner, J. S., & Wood, E. (2012). Ready access to illicit drugs among youth and adult users. *The American Journal on Addictions*, 21(5), 488-490.
34. Hagan, J. (1994). *Crime and disrepute*. Thousand Oaks: Pine Forge Press.
35. Hirschi, T. (1969). *Causes of delinquency*. Berkeley: University of California Press.
36. Jeffrey A., & Jeffrey, Z. (1995). The economic case against drug prohibition. *Journal of Economic Perspectives*, 9(4), 175-192
37. Kenzdeal, M. (2010). *Crime and disrepute*. New York: Free Press.
38. Kuiemko, I., & Steven, D. L. (2003). Empirical analysis of imprisoning drug offenders. *Journal of Public Economics*, 88(9-10), 2043-2066.
39. Kumpfer, K. L., & Turner, C. W. (1990). The social ethology model of adolescent substance abuse: Implications for prevention. *International Journal of Addiction*, 25(4), 435-63.
40. Paulsen, J., & Robinson, M. (2004). *Spatial aspects of crime: Theory and practice*. New York: Pearson.
41. Taylor, R. (2001). The ecology of crime fear and delinquency: Social disorganization versus social efficacy. In R. Paternoster., & R. Bachman (Eds.), *explaining crime and criminals*. Los Angeles, CA: Roxbury Publishing Company.
42. Vold, G., Bernard T., & Snipes, J. (1998). *Theoretical* (4th Edition.). New York: Criminology Oxford University.